



علامه حسن‌زاده آملی

در حال مطالعه‌ی دیوان اسرار چاپ سیدحسن امین
مکان: قم، منزل حسن‌زاده آملی - زمان: ۴ فروردین ۱۳۷۸

داند که متاع ما، کجایی است!

دستور سلوک:

نامه‌ی حسن حسن‌زاده آملی به
سیدحسن امین
۱-مدخل

استاد علامه حسن حسن‌زاده آملی،
بی‌تردید امروز بزرگترین حکیم متاله ایران
بلکه یکی از بزرگترین متخصصان فلسفه‌ی
اسلامی قرن حاضر در سراسر جهان است.
چون او بی‌البتّه به معرفی نیاز ندارد. نامه‌ی
حاضر را این بزرگ، درست بیست و چهار
سال پیش از این (یعنی در ۱۶ صفر ۱۳۹۶
ه.ق.) از قم به سید حسن امین به لندن
فرستاده است و در اینجا بی‌هیچ توضیحی
چاپ می‌شود. چه:

هر کس که ز شهر آشنایی است

۲- متن نامه

بسم الله کلمة المعتمین

نادوا أصحاب الجنة أن سلام علیکم (سوره‌ی اعراف، آیه ۴۷)

حضور انور استاد جناب آقا دکتر سیدحسن امین، زادالله صدره شرحاً
دل و جان ما سر به سر پیش تست

نسخه‌ای از نفعات بهشت برین بود، یا شامه‌ای از گلشن جان‌جانانی که بسان نام نیکویش
حسن، و مانند وصف دلجویش امین، مشام روح را معطر ساخت. پاکت‌اش جویه‌ای، و کلمات
صحیفه‌ی مکرّم و مطهرش هر یک دستنبویه‌ای که خاطر را عاظر، و زبان را به تمثّل گفتار رودکی:
«بوی یار مهربان آید همی» ذاکر گردانید. هر کجا هست - خدایا - به سلامت دارش! یا رب دعای خسته
دلان مستجاب کن.

از این مسجون در سجّین آمال و آمانی نفسانی و مغبون از بازرگانی بازار انسانی، تفقّدی
فرموده‌اید؛ بسیار شاکرم.

مقاله معهوده که به حسن نظر آن که «آفرین بر نظر پاک خطاپوشش باد»، مطبوع افتاده بود، و به
خاتم قبولی انگشت سلیمانی آن جناب مختوم شد، به طبع رسیده است.

شگفتا که آن طایر قدسی، از چون منی مرغ بال و پر شکسته و چشم و پا بسته، دستورالعمل
طیران به قلّه‌ی قاف قرب الی الله تعالی را انتظار دارد. در ترک امتثال - بیم اسائه‌ی ادب است. لذا
کلماتی چند به عنوان «تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر و تواصوا بالمرحمة» که از مائده و مأدبه‌ی جود

حاتمان علم و ادب فراهم گردید،

تـمـتـع ز هـسـر گـوشـهـای یـافـتم ز هـسـر خـرمـنی خـوشـهـای یـافـتم
به رسته‌ی تحریر درآمده است. امید است که دلپذیر واقع شود.
نیکخواهان دهند پسند، ولی نیکبختان شوند پسندپذیر
آقای من! پیشانی صدق و اخلاص بر درگاه دوست نه، و از صمیم قلب بگو: آدم. اگر گفتند: اینجا



گزاره دستخط علامه حسن زاده

چرا آمدی؟ بگو: به کجا روم؟ و به کدام در رو کنیم؟
این ره است و دگر دوم ره نیست این در است و دگر دوم در نیست
اگر گفتند: به اذن چه کسی آمدی؟ بگو: شنیدم:
بر ضیافت‌خانه‌ی فیض نوال، منع نیست؛ درگشاده است و صلا در داده، خوان انداخته
اگر گفتند: تا به حال کجا بودی؟ بگو: راه‌گم کرده بودم.
اگر گفتند: چه چیزی آورده‌ای؟ بگو: اولاً دل شکسته که از شما نقل است:
در کوی ما شکسته دلی می‌خرند و بس بازار خودفروشی از آن سوی دیگر است
و ثانیاً:
من گدایم؛ چه توانم بپریم در بر شاه؟ طمع بخشش از درگه سلطان من است

۱. بیتی از قصیده‌ی کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی (مقتول در ۶۳۵) به مطلع:
ای جلال تو بیان‌ها را زبان انداخته عزت ذات، بقین را در گمان انداخته

و ثالثاً: الهی آفریدی رایگان، روزی دادی رایگان، بیامرز رایگان! تو خدایی، نه بازرگان!
اگر گفتند: بیرونش کنید؛ بگو:

نمی‌روم ز دیار شما به کشور دیگر برون کنید از این در درآیم از در دیگر
اگر گفتند: این جرئت را از که آموختی؟ بگو از حلم شما...
اگر گفتند: قابلیت استفاضه نداری؛ بگو: قابلیت را هم شما افاضه می‌فرمایید. باز اگر از تو اعراض
کردند، بگو:

به والله به بالله به تالله به حق آیهی نصر من الله
که مو از دامنت دست برنندیم اگر کشته شوم المحکم لاله
اگر گفتند: مذنبی؛ بگو: اولاً، شنیدم شما غفارید؛ ثانیاً، من ملک نیستم، آدم زاده‌ام، و ثالثاً:
ناکرده گنه در این جهان کیست؟ بگو آن کس که گنه نکرده و زست بگو
من بد کنم و تو بد مکافات دهی! پس فرق میان من و تو چیست؟ بگو
اگر گفتند این حرف‌ها را از کجا یاد گرفتی؟ بگو:

لبلب از فیض گل آموخت سخن ورنه نبود این همه قول و غزل تعبیه در منقارش
اگر گفتند چه می‌خواهی؟ بگو:

جز تو ما را هوای دیگر نیست جز لقای تو، هیچ در سر نیست
خوشتر از گفتهی تو گرفتاری بهتر از دفتر تو دفتر نیست
دلگشا تر ز محضر قدست محضر هیچ نیک محضر نیست
جانفزا تر ز نفعه‌ی آنست نفعه‌ی مشک و عود و عنبر نیست

جناب امین! چنانکه آب و نان، غذای جسم می‌شوند و خود بدن می‌گردند، علم و عمل نیز
انسان‌سازند و - به حکم حکیم برهان قطعی و معصوم اتحاد اقاتل به معقول اعنی اتحاد عالم به معلوم
و مُدرک به مُدرک - علم، ذات جوهر نفس نفیس انسانی می‌شود، و انسان به یافتن علم که آب حیات
روان است، سعت و جودی می‌یابد و وجود وی شدید و قوی می‌گردد. چه این که مرجع و مال علم، به
نور وجود است و این نور وجود چشم نفس ناطقه بلکه عین وی می‌گردد: «العلم نور یقذفه الله فی
قلب من یشاء».

و به عبارت کوتاه بسیار بلند معلم ثانی در مدینه‌ی فاضله: «کل ماکان وجوده اتم فانه اذا علم و
عقل، کان ما یعقل عنه و یعلم منه اتم». پس هر اندازه که روان قوی‌تر باشد، قوت وی که نور علم است،
شریف‌تر و فاضل‌تر خواهد بود؛ و هر اندازه قوت روان فاضل‌تر باشد، قوت آن بیشتر می‌گردد، و
نیروی نور ذات‌اش فزونی می‌گیرد و فروزان‌تر می‌شود و با حیات محض «ان الدار الآخرة لهی
الحيوان»^۲ سنخیت بیشتر پیدا می‌کند.

به مثل، پاره‌ی زغال که در همسایگی انگشت آتش، اندک اندک خود آتش می‌شود، همچنین نفس
از نقص به سوی کمال مطلق که بیان هر کمال است و تمام بلکه فوق تمام است، گرایش پیدا کرده
رهسپار می‌شود و سفر از خلق به حق می‌کند و آثار تکوینی حقایق اسماء حسنی و صفات علیای الهی
«علم آدم الأسماء كلها»^۳ از جوهر ذات او، بروز و ظهور می‌کند و کم‌کم قرآن را صورت کتیبه‌ی انسان
کامل و تفسیر مسیر تکاملی نوع انسان می‌شناسد و شخص انسان کامل را ظرف حقایق قرآن و امام
قافله‌ی نوع انسان و متن صراط مستقیم اعنی صراط الله و صراط الی الله می‌یابد؛ و می‌فهمد که هر

۲. قرآن، سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۶۵.

۳. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۳۸.

کس از آن تجاوز کرده است، از سیر تکاملی انسانی و حرکت استکمالی الی الله تعالی بازمی‌ماند و بر خویشتن ستم کرده است: «و من یتعد حدود الله فقد ظلم نفسه»^۴ چه این که راه راست، بیش از یک راه نمی‌تواند باشد؛ به قول ارشمیدس: «المستقیم اقصر خط واصل بین النقطتين». و در این حال به سرّ عظیمی که در گفتار ولیّ الله الاعظم، امام علی - علیه السلام - «بل کیف تعمهون و بینکم عترة نبیکم و هم ازمة الحق و اعلام الدین و السنة الصدق فانزلوهم بأحسن منازل القرآن»^۵ نهفته است، می‌رسد.

و در بیان شأن چنین انسانی، گاهی بدین سان به ترنم آید که:
 مو آن بحرم که در ظرف آمد ستم چو نقطه بر سر حرف آمد ستم
 و گاهی بدین نحو زمزمه دارد که:

مرا به هیچ کتابی مکن حواله دگر که من حقیقت خود را کتاب می‌بینم
 انسان بیدار همواره کشیک نفس می‌کشد، و پاسبان حرم دل است، و واردات و صادرات دهان خود را می‌پاید، و دار هستی را کارخانه‌ای بزرگ می‌یابد که با عمّال بیشمار «و ما یعلم جنود ربّک الا هو»^۶ دست هم گرفته در کارند تا انسان بسازند و از عالمی تحویل به عالم دیگر دهند. آری عالم، کارخانه آدم‌سازی است، مرّوت و شرط انصاف نباشد که کفران شود و جبران نشود و خسران شود.
 این بی‌سر و پا را دو جزوه یکی موسوم به **الهی نامه**، و دیگری **مسمّی به نکات** است؛ سخنی چند از آن دو به حضور مسمّی سامی سخن سنجام جناب آقای دکتر سیدحسن امین - زاده الله المتعالی القرب الیه - تقدیم بدارم.

در نکات آورده‌ام:

نکته: نورانیه القول، علی قدر نورانیه القلب.

نکته: اسیر بطن، اهل باطن نمی‌شود.

نکته: جزاء نفس عمل است: «و ما تجزون الا ما کتّم تعلمون»^۷.

نکته: از انسان، سر پرود و سحر نرود.

نکته: ملکوت، با عالم ملک است و خیالت، با عالم مثال و عقلت، با عالم عقول، قابل حشر با همه‌ای و دارای سرمایه‌ی کسب همه؛ صادق آل محمد - صلوات الله علیهم - فرمود: «انّ الله - عزّ و جلّ - خلق ملکه علی مثال ملکوته، و أنس ملکوته علی مثال جبروته لیستدل بملکه علی ملکوته علی جبروته». درست بخوان و درست بدان.

نکته: تا بیننده و گیرنده نشدی، انسان نیستی.

نکته: انسان درختی است باژگونه که ریشه‌ی آن به سوی آسمان است. نبات، از زمین می‌روید و انسان از آسمان؛ و دیگر جانوران برزخ‌اند که آفریده‌ای‌اند نه این چنین و نه آنچنان. بنگر که کدام یک از این سه گروهی!

نکته: هر کسی زرع و زارع و مزرعه‌ی خود است و نبات و اعمال‌اش؛ بذرهاش، بنگر تا در مزرعه‌ی خویش چه کاشتی؟ و در قول رسول الله - صلی الله علیه و آله - «الدنیا مزرعة الاخرة» دقت کن. و به عبارت دیگر: هر کسی سفره‌ی خود و مهمان سفره‌ی خود است.
 نکته: قرآن صورت کتبی‌ی انسان کامل است، و عالم، صورت عینی‌ی حقیقت وی.

۲. سوره‌ی طلاق، آیه‌ی ۲.

۵. نهج البلاغة، خطبه‌ی ۸۵.

۶. قرآن، سوره‌ی مدثر، آیه‌ی ۳۲.

۷. سوره‌ی صافات، آیه‌ی ۲۰.

نکته: آنچه در احوال و اطوار سالک، در خواب و بیداری اش، عبادش می شود، میوه های است که از کمون شجره ی وجودش بروز می کند.

نکته: جناب وجود، ملک است و اسماء حسنی و صفات علیایش عسکرش؛ هر کجا آن شاه، قدم نهاد؛ این لشکرش با اوست.

نکته: از شاه اولیاء امیرالمؤمنین - علیه السلام - سؤال کردند که: وجود چیست؟ گفت: به غیر وجود چیست؟

در الهی نامه گفته ام:

الهی! به حق خودت حضورم ده و از جمال آفتاب آفرینت نورم ده.

الهی! همه از تو دوا خواهند و حسن از تو درد.

الهی! همه گویند بده، حسن گوید بگیر.

الهی! همه برهان توحید خواهند و حسن دلیل نکثیر.

الهی! اگر چه درویش ام، ولی دارا تر از من کیست که تو را دارم.

الهی! در ذات خودم متحیرم، تا چه رسد در ذات تو.

الهی! هر چه بیشتر دانستم، نادان تر شدم بر نادانی ام بیفزا.

الهی! گروهی کوکو گویند و حسن هوهو.

الهی! خنک آن کس که وقف تو شد.

الهی! شکرست که این تهی دست پابست تو شد.

الهی! همه از مردن می ترسند و حسن از زیستن، که این کاشتن است و آن درویدن.

الهی! شب بیره را در شب پرواز باشد و حسن را نباشد.

الهی! خوشا آنان که همواره بر بساط قرب تو آرمیده اند.

الهی! خوشا آنان که در جوانی شکسته شدند؛ که پیری خود شکستگی است.

الهی! حرف هایم اگر مشوش است، از دیوانه پراکنده خوش است.

بینخشید که سبب تضییع اوقات شریف شما شدم. اگر غرض ایتمار امر سرکار عالی نمی بود، تا بدین حد یک طومار، اطالهی سخن روا نمی داشتم.

ترقی و تعالی آن ذات محترم را از فیاض علی الاطلاق مسئلت دارم، و با دلی آرمیده می گویم: خوش باش که عاقبت به خیر است تو را!

قم - ارادتمند صمیمی: حسن حسن زاده آملی

۱۶ صفر ۱۳۹۶ ه. ق. = ۱۳۵۴/۱۱/۲۸ ه. ش.

۳- خاتمه

بر نگارش استادام و استادالکل حسن حسن زاده آملی که من سعادت حضور در درس اسفار ایشان را در مدرسه ی سعادت قم داشتم، افزودن هیچ کلامی را روا نمی دانم. تنها فهرست تألیفات عرفانی و فلسفی ایشان را در اینجا ذکر می کنم.

الف - آثار عرفانی و اخلاقی

- ۱- رساله لقاء الله، ۲- وحدت از دیدگاه عارف و حکیم، ۳- رساله ائه الحق، ۴- ولایت تکوینی، ۵- عرفان و حکمت متعالیه، ۶- الهی نامه، ۷- کلمه علیا در توفیقیت اسماء، ۸- تصحیح رساله ی مکاتبات، ۹- تصحیح و تعلیق تمهید القواعد، ۱۰- تصحیح و تعلیق شرح فصوص قیصری، ۱۱- رساله ی مفاتیح المخازن، ۱۲- تصحیح و تعلیق شرح فصوص خوارزمی، ۱۳- شرح فصوص الحکم، ۱۴- مشکاة القدس

علی مصباح الأنس، ۱۵- شرح طایفه‌ای از اشعار و غزلیات حافظ، ۱۶- رساله نورّ عنی نور در ذکر و ذاکر و مذکور، ۱۷- رساله‌ای در سیر و سلوک، ۱۸- منشآت «نامه‌ها بر نامه‌ها»، ۱۹- تصحیح و تعلیق رساله تحفة الملوک، ۲۰- قرآن و عرفان و برهان از هم جدایی ندارند.
ب- آثار فلسفی و منطقی.

۱- دروس اتحاد عاقل به معقول، ۲- تقدیم و تعلیق رساله‌ی اتحاد عاقل به معقول، ۳- نصوص الحکم بر فصوص الحکم، ۴- رساله‌ی جعل، ۵- رساله‌ی العمل الضابط فی الرابطی و الرابط، ۶- تقدیم و تصحیح و تعلیق آغاز و انجام خواجه نصیر، ۷- صد کلمه، ۸- رساله‌ی نفس الامر، ۹- رساله‌ی نهج الولاية، ۱۰- درر القلائد علی غرر الفوائد، ۱۱- النور المتجلی فی الظهور الظلی، ۱۲- مفاتیح الاسرار لسلاک الاسفار، ۱۳- عیون مسائل النفس و سرح العیون فی شرح العیون، ۱۴- گشتی در حرکت، ۱۵- الحجج البالغه علی تجرد النفس الناطقه، ۱۶- گنجینه‌ی گوهر روان، ۱۷- رساله‌ی در اثبات عالم مثال، ۱۸- رساله‌ی مُثَل، ۱۹- تصحیح و تعلیق شرح اشارات، ۲۰- ترجمه و شرح سه نمط آخر اشارات، ۲۱- رساله‌ی اعتقادات، ۲۲- الاصول الحکمیة، ۲۳- تصحیح و تعلیق شفاء، ۲۴- ترجمه و تعلیق الجمع بین الرأیین، ۲۵- رساله‌ی رؤیا، ۲۶- جزوه‌ی «من کیستم» ۲۷- رساله‌ی فی التضاد، ۲۸- معرفت نفس، ۲۹- نثر الدراری علی نظم المثالی، ۳۰- تصحیح اسفار اربعه ۳۱- تصحیح شرح منظومه.

انتشارات تاریخ منتشر کرده است:

باران تمام این سال‌ها

مجموعه شعر
م. روان شید

به همین قلم منتشر می‌شود:

با شاعران امروز

جلد اول

(گفتگو با شاعران دمه شخصت و مفنات)

رضا چایچی - بهزاد خواجهات - بهزاد زرین پور

علی عبدالرضایی - کسرا عنقایی - دهرداد فلاح

هیوا مسیح - حافظ موسوی و ...

باران
تمام
این سال‌ها

م. روان شید

مرکز بخش - تهران - صندوق پستی ۱۷۷ - ۱۵۶۱۵

تلفن ۸۸۴۶۵۶۵ - ۸۸۴۶۵۶۶ (امینی)